



سومین نمایش ملی
بانوکمپوزیت
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد

ISIRI
مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
مركز

مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
شهر یزد

انستیتوت ملی دانش و فناوری
مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
شهر یزد

انستیتوت ملی دانش و فناوری
مؤسسه تحقیقاتی و آموزشی
شهر یزد

CIVILICA

ISC
Islamic World Science Citation Center

SID

واکاوی عشق حقیقی با محوریت اشعار حضرت خدیجه

رقیه سلطان زاده^۱سمیه سپهری^۲

چکیده

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای مقامات و ویژگیهای خاصی بودند از جمله اینکه ایشان شاعر بودند. با توجه به اینکه در آن زمانه شعر و شاعری اهمیت بسیار داشت، شاعر بودن این بانوی بزرگوار، دلالت بر فصاحت و بلاغت و به روز بودن ایشان دارد و این هم فضیلت دیگری است بر فضایل ایشان. در این مقاله به روش توصیفی، معنای عشق و اقسام آن بررسی شده است. همچنین عشق در کلام گوهر بار ائمه اطهار (علیهم السلام) بررسی شده است و بعد از آن عالی ترین عشق از نگاه امام شیعیان حضرت علی (علیه السلام) بیان شده است. در ادامه به عشق یک طرفه و دوطرفه و عشق پاک و مقدس اشاره شده است. در آخر به عشق حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) پرداخته شده است. همچنین اشعار این بانوی گوهر بار بیان شده و عشق پاک ایشان به حضرت محمد ثابت شده است.

واژگان کلیدی: واکاوی، عشق، اشعار، حضرت خدیجه.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).

^۲. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، s.sepohri1362@gmail.com

مقدمه

مقام و شخصیت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با هیچ معیاری قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. ایشان به پاک بودن در زمان جاهلیت خود معروف بودند. ولی عشق پاک و مقدس ایشان به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) زبانزد خاص و عام بوده است. اشعار ایشان در کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی (رحمه الله علیه) جلد شانزدهم گردآوری شده است. ولی در این مقاله به چند نمونه از اشعار و توضیحاتی درباره عشق مقدس اشاره می‌کنیم تا عشق پاک و مقدس را بشناسیم.

معنای عشق

عشق که یک واژه عربی است از یک گیاه خاصی که «عشقه» نام دارد مشتق شده است. «عشق» در عربی همان است که در فارسی به آن «پیچک» می‌گوئیم. گیاهی که وقتی به بدنه درخت چسبید، آن را رها نمی‌کند. راه نفس را بر درخت می‌بندد طوری که کمکم درخت زرد می‌شود، برگهایش می‌ریزد و سرانجام خشک می‌شود. در این هنگام می‌گویند این درخت را عشقه گرفت. عاشق به چنین انسانی می‌گویند. آنکه پیچک عبادت او را گرفت، زرد کرد و راه نفس را بر او بست و سرانجام او را خشک و از خود تهی کرد. (اقرب الموارد)

کلمه عشق اینگونه معنا شده است که: مرحله نهایی و درجه آخر محبت را عشق می‌گویند. عشق کیفیت روانی است که همه استعدادها و نیروهای درونی آدمی را در به ثمر رسانیدن گرایش‌ها و محبت شدید به آنچه خیر و کمال تلقی شده است آماده می‌نماید. مفهوم جامع عشق عبارت است از نهایت خواستن حقیقتی (معشوق) که از نظر جمال و کمال برای خود آدمی عالی‌ترین آرمان تلقی شده است. انسان در پدیده عشق همه ابعاد حیات خود را به معشوق پیوند می‌زند. لذا عشق یک انسان می‌تواند بیان‌کننده ارزش همه ابعاد حیات او باشد.

اقسام عشق

عشق هم اقسامی دارد که تقسیم می‌شود به سه دسته عشق مجازی نامعقول، عشق مجازی معقول و عشق فوق معقول که در زیر توضیح هر کدام آورده شده است.

۱. قسم مجازی نامعقول: منشاء آن شهوانی است. این نوع عشق در مورد اکثریت انسانها به کار می‌رود. این نوع عشق را امام علی (علیه السلام) فرموده اند، بینایی آدمی را که عبارت است از اندیشه و تعقل و درک و احساسات برین و کمال جویی، از بین می‌برد و او را به بیماری دل که اختلالات روانی است مبتلا می‌سازد.

۲. قسم معقول: عبارت است از محبت شدید و گرایش حیاتی به کمالات و خیرات عالیه مانند معرفت، نوع دوستی که به درجه محبت شدید و گرایش حیاتی برسد و اخلاق فاضله جلوه هایی از کمال می باشد.

۳. قسم فوق معقول: که در اصطلاح فلسفه و عرفان عشق حقیقی نامیده می شود. معشوق در این عشق فقط خداوند است و این همان مرحله اعلای کمال است.

عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید ناخوانده درس مقصود از کارگاه هستی

در این عشق است که همه قوای مغزی و روانی آدمی شکوفا شده و به فعلیت می رسد. (حافظ شیرازی عزلیات، غزل شماره ۴۳۵، نهج البلاغه و سخن از عشق)

عشق از نگاه حضرت علی (علیه السلام)

ائمه و پیامبران صلوات الله علیه عشق را بسیار زیبا توصیف کرده اند. در نهج البلاغه از عشق به معنای منفی آن سخن گفته شده است. حضرت علی علیه السلام آن را کورکننده چشم عقل و کرکننده گوش عقل و دل دانسته است. حضرت احادیث زیادی در این مورد دارند که نمونه ای از آن را در ذیل اشاره می کنیم:

«هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد نابینایش می کند و قلبش را بیمار کرده با چشمی بیمار می نگردد و با گوشی بیمار می شنود.»

یکی از ویژگی های انسان محبت و دلبستگی و به عبارت دیگر عشق و دلدادگی اوست. این خصوصیت مختص به انسان بوده و گاه در میان انسان با انسان دیگری هویدا می شود و گاه میان انسان با موجود جاننداری مثل گل و گیاه و یا حیوانات نمایان می گردد و یا حتی دلبستگی میان انسان با شیء بی جان نیز می تواند وجود داشته باشد. در این میان عشق و دلبستگی دیگری نیز مطرح است و آن عشق انسان به تعالی و خداست.

در نهج البلاغه نیز مانند سایر متون اسلامی تمام معانی عشق الهی را در ذیل واژه محبت می توان یافت که حضرت علی پیرامون آن سخنان زیادی بیان فرموده است. محبت در نتیجه شناختی است که سالک به خدا دارد یعنی بدون شناخت صحیح از خدا این عشق و محبت حاصل نمی شود. غزالی معتقد است محبت بدون معرفت ممکن نیست. هر چه شناخت انسان کاملتر و غنی تر باشد محبت بدان نیز افزایش می یابد.

در نهج البلاغه از عشق به معنای منفی آن سخن گفته شده است. حضرت آن را کورکننده چشم عقل و کرکننده گوش عقل و دل دانسته است. «هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد نابینایش می کند و قلبش را بیمار کرده با چشمی بیمار می نگردد و با گوشی بیمار می شنود. خواهش های نفس پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است، شیفته بی اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست

دارند. دنیا به هر طرف برگردد او نیز بر می‌گردد، و هر چه هشدارش دهند از خدا نمی‌ترسد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

با تقسیماتی که برای عشق بیان کردیم می‌توان گفت آنچه از عشق در این خطبه مراد حضرت بوده، عشق از نوع اول آن، که برگرفته از شهوت است می‌باشد. و عشق در نوع عالی آن که قسم سوم بود نه تنها کور کننده چشم دل و عقل نیست بلکه نهایت شکوفایی عقل و دل انسان است.

در نهج البلاغه نیز مانند سایر متون اسلامی تمام معانی عشق الهی را در ذیل واژه محبت می‌توان یافت که حضرت علی علیه السلام پیرامون آن سخنان زیادی بیان فرموده است. محبت در نتیجه شناختی است که سالک به خدا دارد یعنی بدون شناخت صحیح از خدا این عشق و محبت حاصل نمی‌شود. غزالی معتقد است محبت بدون معرفت ممکن نیست. هر چه شناخت انسان کاملتر و غنی تر باشد محبت بدان نیز افزایش می‌یابد.

عالی‌ترین عشق از نگاه حضرت علی (علیه السلام)

عالی‌ترین عشق نگاه امیر المومنین این است که در دانایی انسان همین بس که ارزش خویش را بشناسد این انسان دیگر حاضر نیست که خود را متوجه هر چیزی ساخته که ارزش او را زیر سوال ببرد و یا از آن بکاهد لذا برای عاشق شدن نیز باید گزینه ایی را یافت که لیاقت این عشق و محبت آدمی را داشته و ثمری برای انسان به همراه داشته باشد. فراوانند داستان عشق و دلدادگی‌هایی که منجر به خطاهای بزرگ و فاحشی می‌شود، اینها عشق واقعی نیستند، هوس‌هایی هستند که آتش آن برای مدتی شعله ور گشته و پس از به آتش کشیدن و خاکستر کردن زندگی فرد و اطرافیانش رو به خاموشی می‌نهد و گاهی تبدیل به نفرت می‌شود. چه کسی لیاقت عشق اشرف مخلوقات را دارد؟ باید به کسی عشق ورزید که در جهان هستی والاتر از او نتوان یافت و او کسی نیست جز خداوند متعال که عشق به او پایان ناپذیر خواهد بود و دیگر محبت‌ها نیز در طول محبت او و برای او و به خاطر اوست.

عشق یک‌طرفه و دو طرفه از نگاه امام علی (علیه السلام)

عشق به خدا یک طرفه نیست که منجر به افسردگی و دلمردگی شود. اگر او را دوست داشته باشی مطمئن باش خدا تو را بیشتر دوست خواهد داشت چنانکه در قرآن کریم به این امر اشاره شده است. تمام عشق‌ها به آن محبوب بی پایان باز می‌گردد و او نیز این عشق را با کیفیت عالی تری به بنده باز می‌گرداند.

در ادامه عشق دو طرفه از نگاه حضرت علی (علیه السلام) را بیان می‌کنیم که: عشق به خدا یک طرفه نیست که منجر به افسردگی و دلمردگی شود. اگر او را دوست داشته باشی مطمئن باش خدا تو را بیشتر دوست خواهد داشت چنانکه در قرآن کریم به این امر اشاره شده است. تمام عشق‌ها به آن محبوب بی پایان باز می‌گردد و

او نیز این عشق را با کیفیت عالی تری به بنده باز می گرداند که حضرت علی (علیه السلام) فرموده: خدا نیز بی هیچ نازک دلی دوست می دارد و خشنود می شود.

عشق به جهان هستی از نگاه امام علی (علیه السلام)

عشق و محبت در هستی و جهان نیز تأثیر به سزایی دارد که نظام علی و معلولی جهان را تحت تأثیر خود قرار می دهد و به همین دلیل است که خداوند دین اسلام را بر پایه محبت بنا نهاده است تا به این وسیله آموزه و دستورات اسلام را برای همه ملت ها پسندیده و مطلوب گرداند چرا که با محبت می توان دلها را تسخیر کرد چنانچه حضرت علی در نهج البلاغه می فرماید: این اسلام دین خداست خوب ترین خلق خویش را بدان اختصاص داد، پایه هایش را بر دوستی استوار داشته است. (نهج البلاغه ترجمه دشتی، تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۲۰، حکمت معنویت، دکتر بخش علی قنبری، نشر معارف)

عشق پاک و مقدس

اگر کسی عاشق می شود باید عشقش پاک و مقدس باشد. در عشق های حقیقی و مقدس، روح انسان صفا و نورانیت فوق العاده ای پیدا می کند و همه چیز را جز معشوق حقیقی که همان مظهر کمال مطلق است به فراموشی می سپارد و تحمل تمام شدائد را برای رسیدن به وصال او و برخوردار شدن از جذبه های عنایت و لطفش آسان می شمرد و هنگامی که در بیابان به شوق کعبه قدم می گذارد، از سرزنش های خار مگیلان غمی به دل راه نمی دهد. همان گونه که در حدیث قدسی آمده است:

«إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْإِسْتِغَالَ بِبِي جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، عَشِقْتَنِي وَ عَشِقْتُهُ، فَإِذَا عَشِقْتَنِي رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ»

هنگامی که بنده من توجه به من پیدا کند، آرزو و لذتش را در ذکر خودم قرار می دهم و هنگامی که آرزو و لذتش در ذکر من باشد، به من عشق می ورزد و من هم به او عشق می ورزم و هنگامی که به من عشق ورزد حجاب میان خودم و او را بر می دارم، تا به مقام شهود نائل گردد. (کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال) یکی از نمونه های عشق پاک و مقدس که می شود به ان اشاره کرد عشق حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به حضرت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است..

حضرت خدیجه یکی از عاشقان سراسیمه بودند که برای یار خود حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) اشعاری را سروده اند که در ادامه می خواهیم به اشعار حضرت پردازیم:

هر عاشقی از عشق زیادی که به معشوق خود دارد شروع به سرودن شعر برای معشوقش می کند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هم برای معشوق خود حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) یک زبان حالی دارند که:

دلم آشفته روی محمد سراسر کشته کوی محمد
 شدم واقف ز سر قاب قوسین چو دیدم طاق ابروی محمد
 گل رویش چو یاد آرم به خاطرشوم سرمست از بوی محمد
 تمام انبیاء از شوق دیدار نظر افکنده بر سوی محمد
 عزیز مصر با حسن و ملاححت غلام خال هندوی محمد
 هزاران لشگر از دلهای عشاق اسیر تار گیسوی محمد
 معطر گشته بزم هشت جنت ز عطر نفخه خوی محمد
 زلال سلسبیل و نهر و تسنیم روان گردیده از جوی محمد
 گسسته بت پرستان تار زئارچو بشنیدند یا هوی محمد
 سر خود را بتان بر خاک سودندز سوز چشم پر نور محمد

هرعاشقی برای دیدن معشوق خود ان هم دیدار اول خیلی شوق و ذوق دارد. دست و پای خود را گم می کند و هزاران استرس دیگر را شامل می شود ولی بعد ها همین اولین دیدار جزو بهترین خاطرات می شود.

حضرت خدیجه هم شوق دیدار یار خود حضرت محد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) داشتند که در این مورد هم اشعاری سروده اند که: حضرت خدیجه بعد از صحبت با عموهای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و شوق دیدار او سروده ای فرمودند که:

بهترین لحظه حیاتم چیست
 لحظه دیدن و وصال شما است
 زندگانی به کام من تلخ است
 مگر آن دم که دیدن تو رواست
 از خلائق گزیدمت تنها
 جز تو عیشی کجا به دل بریاست
 بر سر و چشم من فرامینت

چه کسی خلف امرتان را خواست

پس بدان عشق من، منم عاشق

مال و جان در رهت دهم که رواست

در وجودم به جز تو ساکن نیست

جستوجو کن بین دلم، نه خطاست

وقتی عشق خود را در یک لباس می بینی به خود می بالی که چنین معشوقی را برای خود انتخاب کرده اید. و حضرت خدیجه چه لحظه ای را دیده است، آن لحظه ای که صورت ماه و دلبرانه اش را در لباس سفر و از سر عشقش به او سروده ای را به زبان می آورد:

سرودهای هنگام صورت دلبرای حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در لباس سفر:

عطا شده به تو زیبایی و کمال و هنر

که قلبهای دگر زان شدند سرگردان

ز فرط حسن، وجودت جواهری باشد

که ذات پاک تو اش کرده گوهری غلطان

به جسم لاغر من بنگر انگهی میبین

چگونه چشمه چشم فتاده در طغیان

هوای عشق تو خواب از دو چشم من بر بود

دلم ز سوزش عشقت پرست وز عصیان

تلخ ترین لحظه لحظه فراق و دوری عشق است، هر عاشقی دوست دارد تک تک ثانیه ها را کنار عشق خود باشد و لحظات را با او سپری کند. و دوست ندارد این ثانیه ها زود بگذرد و به پایان برسد ولی حیف که زمان دست انسان نیست. و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هم این لحظه تلخ را چشیده اند؛ همان لحظه ای که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) با ایشان وداع می کنند و سوار بر مرکب می شوند و دور می شوند. و در این زمان تنها یک نگاه عاشق می ماند به معشوقش این قدر زل می زند تا یارش به دور دست ها رود و تنها صحنه ای که تا دیدار بعد در ذهنش مجسم می کند همین لحظه دور شدن یارش

است. و حضرت خدیجه برای این صحنه تلخ شاید هم از نگاه حضرت شیرین بود ولی ایشان برای این صحنه هم غزلی می سرایند که:

بعد از اولین دیدار، وقتی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) با حضرت خدیجه (سلام الله علیها) وداع می کنند و سوار بر مرکب شده و از ایشان دور می شوند، حضرت خدیجه این غزل را می سرایند:

قلب المحبّ الی الاحباب مجذوب و جسمه بید الاسقام منهوب
و قائل کیف طعم الحبّ قلت له الحبّ عذب و لکن فیہ تعذیب
افدی الذین علی خدی لبعدهم دمی و دمی مسفوح و مسکوب
ما فی الخیام و قد صارت رکابهم جمّاً ألاً محبّ له فی القلب محبوب
کانمّا یوسف فی کلّ ناحیه والحزن فی کل بیت فیہ یعقوب

ترجمه‌ی منظوم این ابیات حضرت خدیجه به ترتیب و همچنین تاحد زیادی وفادار به متن از این قرار است:

دل عاشق به دوستان بسته است گرچه از درد، جسم او خسته است
گر بپرسند چیست مزهی عشق به هم این نیش و نوش پیوسته است
جان به قربان آنکه در دوریش چشم من اشکبار و خونبار است
دل هر خیمه شد تهی ز سوار به جز آن دل، که خیمهی یار است
تا که یوسف ز دیده پنهان است بیت یعقوب، بیت الاحزان است
(کتاب بحار الانوار جلد شانزدهم، هنگامه وصال دکتر مجد)

نتیجه گیری

عشق حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یک عشق پاک و مقدسی بود. ایشان از روحیه لطیف و پراحساسی برخوردار بودند چنانچه توانستند در زمان خود و با اختلاف سنی و اختلاف طبقاتی که با حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) داشتند دل ایشان را به دست آوردند حتی توانستند روحیه و احساسات خود را در قالب شعر بسرایند. پس عشق پاک، مقدس است و با مطالعه زندگی ایشان می توانیم بفهمیم که ایشان نه تنها عشق به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) داشتند بلکه به خاطر ایشان از همه چیز گذشتند و به عشق واقعی که خداوند متعال بود روی آوردند. باین امید که جوانان امروز عشق و زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و به عشق حقیقی برسند.

منابع

- نهج البلاغه.
- ۱. جعفری، محمدتقی، تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۰.
- ۲. حافظ، شیرازی، غزلیات، غزل شماره ۴۳۵.
- ۳. شرتونی، سعید، (۱۳۸۵)، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، ج ۵، انتشارات اسوه.
- ۴. قنبری، بخش علی، حکمت معنویت، نشر معارف.
- ۵. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، محقق: بکری حیانی، السقا، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۶. مجد، (۱۳۸۸)، کتاب هنگامه وصال.
- ۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶.